

ماهیت حقوقی و حدود صلاحیت هیأت داوری بورس

دریافت: ۹۸/۷/۲۳ پذیرش: ۹۹/۶/۱۱

محسن شمس الهی^۱

چکیده

رسیدگی در این مرجع ایجاد کرده است. از یک سواستفاده از عنوان داوری در نام‌گذاری آن، تردیدهایی در خصوص ماهیت آن ایجاد نموده است. از سوی دیگر ابهاماتی در خصوص حدود صلاحیت آن، و نیز قابلیت اعتراض آرای این هیأت و مرجع رسیدگی به اعتراض وجود دارد. در این مقاله برآنیم تا پس از بررسی ماهیت هیأت داوری بورس و جایگاه آن در نظام قضایی ایران، حدود صلاحیت آن و قابلیت اعتراض آرای آن را بررسی کنیم.

هیأت داوری بورس بنابر قانون تأسیس بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳۴۵ در پاسخ به ضرورت رسیدگی تخصصی و سریع به اختلافات موجود در حوزه بازار سرمایه، به منظور رسیدگی به اختلافات کارگزاری‌ها ایجاد شد. این هیأت در قانون بازار اوراق بهادار ابقا شد و صلاحیت آن گسترش قابل توجهی یافت و شامل کلیه اختلافات بین فعالان بازار اوراق بهادار که از فعالیت حرفه‌ای ایشان می‌شود. با وجود این، فقدان مقررات جامع در خصوص این هیأت ابهامات عدیده‌ای راجع به قواعد حقوقی حاکم بر نحوه

طبقه‌بندی JEL: J52

هیأت داوری بورس / داوری / بازار بورس و اوراق بهادار / اختلافات بورسی

۱. مقدمه: طرح مسأله

هیأت داوری بورس، ابتدا در سال ۱۳۴۵ با تصویب قانون تأسیس بورس اوراق بهادار، برای رسیدگی «به اختلافات بین کارگزاران با یکدیگر و اختلافات بین فروشندگان یا خریداران یا کارگزاران که از معاملات در بورس ناشی گردد» ایجاد شد. به موجب ماده (۱۷) این قانون هیأت مزبور متشکل از سه نفر عضو اصلی شامل «یک نفر نماینده وزارت دادگستری که از بین رؤسای شعب و یا مستشاران دیوان عالی کشور انتخاب خواهد شد و یک نفر نماینده شورای بورس و یک نفر نماینده مشترک اتاق صنایع و معادن ایران و اتاق بازرگانی تهران» بود، و ریاست این هیأت به نماینده وزارت دادگستری سپرده شده بود.

با تصویب قانون بازار اوراق بهادار در سال ۱۳۸۴، با برخی تغییرات هیأت مزبور ابقا شد [۱]. این هیأت به موجب ماده (۳۷) این قانون متشکل از سه عضو است که یک عضو آن توسط رئیس قوه قضاییه از بین قضات باتجربه تعیین می‌شود و دو عضو دیگر از بین صاحب‌نظران در زمینه‌های اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان بورس و اوراق بهادار و تأیید شورای عالی بورس و اوراق بهادار تعیین می‌شوند. ریاست هیأت مزبور نیز به موجب تبصره این ماده بر عهده نماینده قوه قضاییه قرار گرفت. همچنین به موجب این قانون صلاحیت این هیأت از حد اختلافات بین کارگزاران فراتر رفته و به موجب ماده (۳۶) قانون مزبور بر کلیه اختلافات بین «کارگزاران»، «بازارگردانان»، «کارگزار/معامله‌گران»، «مشاوران سرمایه‌گذاری»، «ناشران»، سرمایه‌گذاران، و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها، در صورت عدم سازش در «کانون‌ها» تسری یافت.

مبنای اصلی پیش‌بینی چنین نهادی در مقررات راجع به اوراق بهادار شاید جنبه‌ی تخصصی اختلافات مزبور باشد. در واقع اختلافات بین اشخاص مذکور که از فعالیت حرفه‌ای ایشان ناشی می‌شود، عمدتاً اختلافات مالی و بورسی است که با توجه به قواعد و ملاحظات خاص حاکم

بر بازار اوراق بهادار، از قلمرو تخصص قاضی دادگستری ناآگاه از قواعد خاص حاکم بر بازار اوراق بهادار، خارج است؛ و رسیدگی به آن‌ها توسط این قضات بدون توجه به این قواعد به نتایج نامطلوبی می‌انجامد. از سوی دیگر، این اختلافات دارای جنبه‌ی حقوقی است و سپردن رسیدگی به آن‌ها به متخصصین ناآشنا به علم حقوق نیز منطقی به نظر نمی‌رسد. چرا که این هیأت در رسیدگی به ادعاها و اختلافات به ماهیت عقود و قراردادها ورود قضایی پیدا کرده و تشخیص قضایی می‌دهد و از این حیث عملکرد این هیأت شبیه قضات دادگاه‌های عمومی در سایر عقود و معاملات است [۲]. بنابراین جمع بین این دو مصلحت سبب شده تا رسیدگی به اختلافاتی از این دست، به هیأتی مرکب از متخصص علم حقوق به انتخاب رئیس قوه قضاییه و صاحب‌نظران در زمینه‌های اقتصادی و مالی سپرده شود. برخی در کنار لزوم تخصصی بودن رسیدگی به این اختلافات، به لزوم رسیدگی سریع به اختلافات مربوط به بازار سرمایه و رعایت اصل سرعت را از عوامل تأسیس هیأت داوری بورس دانسته‌اند [۳].

قبل از تصویب دستورالعمل آیین رسیدگی به اختلافات در هیأت داوری قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۹۸/۵/۱۴ توسط هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار برخی معتقد بودند، رسیدگی در هیأت داوری بورس به علت فقدان مقرره‌ی خاص از آیین خاصی تبعیت نمی‌کند، و تابع قواعد عام آیین دادرسی مدنی است [۴]. با این حال از زمان تصویب این دستورالعمل، آیین رسیدگی به اختلافات در هیأت داوری قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مطابق این دستورالعمل خواهد بود. البته مطابق ماده پنجاه و هشت «در سایر مواردی که در این مقررات تصریح نشده است، به جز در مواردی که به تشخیص هیأت ذاتاً اختصاص به دادگاه‌های دادگستری دارد، هیأت مطابق با مقررات قانون آیین دادرسی مدنی رفتار می‌نماید.»

استفاده از عنوان داوری در نامگذاری این مرجع از سوی قانونگذار، تردیدهایی در خصوص ماهیت این نهاد ایجاد نموده است. علاوه بر این، قانونگذار در تعیین حدود صلاحیت این مرجع از عبارت اختلافات بین فعالان بازار که از فعالیت حرفه‌ای ایشان ناشی می‌شود، استفاده نموده است که با توجه به ابهاماتی که در خصوص تشخیص مصادیق فعالان بازار (سایر اشخاص ذیربط) و نیز فعالیت حرفه‌ای وجود دارد تردیدهایی در خصوص حدود صلاحیت این مرجع پدید آورده است. همچنین داوری نامیده شدن این مرجع، با توجه به محدودیت‌های قانونی موجود در برابر ارجاع به دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی؛ و نیز معاف شدن شرکت‌های دولتی به موجب تبصره (۳) ماده (۱۶) قانون توسعه ابزارهای مالی جدید از برخی تکالیف ناشران اوراق بهادار موجب تردیدهایی در صلاحیت این مرجع برای رسیدگی به دعاوی مربوط به شرکت‌های دولتی و شبه دولتی (شرکت‌های وابسته به مؤسسات عمومی غیردولتی) شده است. علاوه بر این، علی‌رغم تصریح به قطعیت آرای صادره از سوی این مرجع، در رویه قضایی اختلاف‌نظرهایی در خصوص قابل اعتراض بودن آرای آن در دادگاه عمومی و یا دیوان عدالت اداری ایجاد شده است. در این مقاله برآنیم تا با بررسی ماهیت هیأت داوری بورس و جایگاه آن در نظام قضایی ایران، صلاحیت آن، و به خصوص حدود صلاحیت آن در رسیدگی به دعاوی بررسی شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به مؤسسات عمومی غیردولتی، را بررسی کنیم و قابل اعتراض بودن یا عدم قابلیت اعتراض آرای آن در دادگاه عمومی حقوقی یا دیوان عدالت اداری را مورد بررسی قرار دهیم.

۲. ماهیت حقوقی هیأت داوری بورس

اجباری بودن و از قلمرو اختیار طرفین خارج بودن انتخاب اعضای هیأت داوری بورس از یک سو، و استفاده از واژه‌ی داوری از طرف قانونگذار در نامگذاری آن از سوی دیگر، تردیدهایی در ماهیت آن پدید آورده است.

ممکن است برخی ماهیتاً این مرجع را داوری بدانند. چنانچه گفته شده که «هیأت داوری بورس علی‌رغم فاقد بودن بسیاری از ویژگی‌های داوری مصطلح، از نظر جوهر و ماهیت به داوری نزدیک‌تر است؛ تا مرجع اختصاصی غیردادگستری، به این دلیل که موضوعات مورد رسیدگی در داوری اختلافات حقوقی فی‌مابین اشخاص حقوق خصوصی است؛ در حالی که مراجع رسیدگی اختصاصی غیردادگستری به اختلافات بین اشخاص حقوق عمومی و اشخاص حقوق خصوصی رسیدگی می‌کنند.» [۵] با وجود این، به نظر می‌رسد صرف خصوصیت بودن اختلافات موضوع رسیدگی نمی‌تواند مبنای داوری محسوب شدن یک مرجع رسیدگی قرار گیرد و علی‌رغم مشابهت مذکور سایر تفاوت‌های هیأت با داوری اصطلاحی تردیدی در تمایز ماهیت آن از داوری باقی نمی‌گذارد. در واقع، منظور از داوری توافق طرفین اختلاف بر رسیدگی به آن از سوی شخص یا اشخاص مورد انتخاب طرفین است. مطابق این تعریف دو ویژگی عمده در داوری وجود دارد: اولاً اختیاری بودن ارجاع امر به داوری، و ثانیاً انتخاب داور از سوی طرفین (که البته تحت شرایط خاص نظیر ماده ۴۵۹ ق.آ.د.م ممکن است از سوی دادگاه تعیین شود). در حالی که هیچ یک از این دو ویژگی در هیأت داوری بورس وجود ندارد. از یک سو، ارجاع امر به داوری از سوی طرفین اختلاف صورت نگرفته و به موجب ماده (۳۷) قانون بازار اوراق بهادار مقرر شده است، و از سوی دیگر انتخاب اعضای هیأت مزبور نیز از قلمرو اختیار طرفین خارج شده است و به موجب ماده (۳۸) قانون مزبور، حسب مورد از سوی رییس قوه قضاییه یا سازمان بورس صورت می‌گیرد. بنابراین اطلاق عنوان داوری بر این مرجع از سوی قانونگذار تسامحاً صورت گرفته است. و هدف از این امر تبعیت آن از قواعد داوری نبوده است. برخی منشأ این تسامح را در ترجمه‌ی تحت‌اللفظی واژه Arbitration Board که در بسیاری از بورس‌های دنیا تأسیس شده دانسته‌اند [۲]. چنانچه، در حقوق آمریکا، اختلافات

مطروحه در صنعت اوراق بهادار، نوعاً از طریق داوری حل و فصل می‌شوند، نه اقامه دعوا در دادگستری. چرا که در بسیاری از قراردادها شرط داوری گنجانده می‌شود [۶]. (The SEC's Office of Investor Education and Advo-cacy, 2016) اعتبار شرط داوری در دعاوی مربوط به اوراق بهادار در سال ۱۹۸۷ مورد تأیید دادگاه عالی آمریکا قرار گرفته است. در پرونده (Shearson/American Express, Inc. v. McMahon, 1987) اعتبار چنین شرطی پذیرفته شده و مقرر گردید داوران اوراق بهادار توانایی رسیدگی به دعاوی پیچیده اوراق بهادار را دارند. از آن پس فعالان بازار اوراق بهادار، شرط داوری را در قراردادهای خود با سرمایه گذاران می‌گنجانند. [۷]

با وجود این، هیأت داوری پیش‌بینی شده در قانون بازار اوراق بهادار متفاوت از این هیأت‌های داوری است. چرا که ارجاع اختلاف به این هیأت‌ها (Arbitration Board) حسب توافق طرفین صورت می‌گیرد، و ماهیتاً به داوری اصطلاحی نزدیک هستند.

با این وجود، برخی با برشمردن بعضی مصادیق داوری اجباری در قوانین و مقررات داخلی نظیر آنچه در دعوی طلاق پیش‌بینی شده، هیأت داوری بورس را ماهیتاً داوری اجباری می‌دانند. [۸] [۳] ایشان منظور از داوری اجباری را داوری می‌دانند که «ارجاع دعوا و اختلاف به داوری موقوف به توافق طرفین اختلاف بر داوری نباشد.» [۸] با این حال به نظر می‌رسد نمی‌توان هیأت داوری را داوری اجباری دانست. زیرا در داوری اجباری صرفاً اختیار ارجاع امر به داوری از طرفین سلب شده و از سایر جهات قواعد داوری حاکم خواهد بود، در حالی که در هیأت داوری حتی اختیار انتخاب اعضای هیأت نیز از طرفین دعوا سلب شده است. به نظر می‌رسد هیأت داوری بورس یک مرجع قضایی به مفهوم اعم محسوب می‌شود [۹]. از این رو باید این مرجع را از قلمرو مراجع اداری خارج دانست. همچنین این مرجع، مرجعی استثنایی است که صلاحیت آن در برابر صلاحیت

عام دادگاه عمومی حقوقی نسبت به رسیدگی به عموم دعاوی حقوقی جز آنچه به تصریح قانون از صلاحیت آن خارج شده است؛ قرار می‌گیرد. اثر استثنایی بودن صلاحیت این مرجع این است که صلاحیت آن صرفاً در اموری است که صراحتاً در صلاحیت آن قرار گرفته است، و صلاحیت آن باید در موضع نص تفسیر شود [۱۰]. در این زمینه این پرسش قابل طرح است که این مرجع در زمره مراجع حقوقی دادگستری قرار می‌گیرد یا خارج از دادگستری؟

در خصوص معیار تمیز مراجع دادگستری و غیردادگستری گفته شده مرجع حقوقی دادگستری مرجعی است که «عزل و نصب قضات آن کلاً در صلاحیت رییس قوه قضاییه است.» و در مقابل مرجع خارج از دادگستری، مرجعی است که «نصب و عزل قضات آن‌ها کلاً یا جزئاً به عهده قوه مجریه است و از صلاحیت قوه قضاییه خارج است.» مراجعی نظیر مراجع پیش‌بینی شده در قانون کار، و مراجع ثبتی از مصادیق این مراجع هستند. [۱۰] بنابراین چنانچه برخی از اعضای مرجع رسیدگی نیز توسط رییس قوه قضاییه انتخاب نشود، باز هم مرجع غیردادگستری محسوب می‌شود؛ چنانچه مراجعی نظیر هیأت حل اختلاف پیش‌بینی شده در قانون اصلاح مواد (۱)، (۲) و (۳) قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۶۵ و الحاق موادی به آن، علی‌رغم این که یکی از اعضای آن قاضی دادگستری منتخب رییس قوه قضاییه است، مرجع غیردادگستری دانسته شده است. [۱۰] بر این اساس با توجه به تعاریف ارائه شده به نظر می‌رسد هیأت داوری بورس در زمره مراجع قضایی حقوقی اختصاصی خارج از دادگستری قرار می‌گیرد [۱۱].

با وجود این، گفته شده بین هیأت داوری بورس و سایر مراجع اختصاصی خارج از دادگستری از یک جهت تفاوت هست: آراء مراجع غیردادگستری، عموماً در دیوان عدالت اداری یا دادگاه‌های عمومی قابل اعتراض یا تجدیدنظر هستند. در حالی که آرای هیأت داوری بورس، قطعی است

و امکان تجدیدنظر نسبت به آن در دیوان عدالت اداری یا محاکم عمومی وجود ندارد [۱۲] [۱۳].

استثنایی بودن صلاحیت هیأت داوری بورس ممکن است تردیدهایی در امکان ارجاع دعاوی در صلاحیت آن به داوری ایجاد کند. چرا که علی القاعده پیش‌بینی صلاحیت خاص برای یک مرجع از سوی مقنن بر اساس ضرورت‌های خاصی صورت گرفته است، و توافق بر ارجاع این امور به داوری به منزله‌ی نادیده گرفتن این ضرورت‌های خاص است. همچنین استثنایی بودن قانون (قانونی که صلاحیت استثنایی برای یک مرجع اختصاصی پیش‌بینی نموده است)، اماره بر آمره بودن آن است و توافق بر خلاف مفاد قوانین آمره توافقی نامشروع و باطل است. در تأیید این تحلیل گفته شده با توجه به این که هیأت داوری یک مرجع اختصاصی با صلاحیت انحصاری جهت رسیدگی به دعاوی بورس است، این امر مقتضی آن است که دعاوی مربوط به بورس اوراق بهادار را از مصادیق موضوعات داوری ناپذیر دانست [۱۴].

با این وجود در رویه قضایی امکان ارجاع اختلافات در صلاحیت هیأت داوری بورس به داوری اختیاری با توافق طرفین اختلاف پذیرفته شده است. در این خصوص استدلال شده که «تلقی این هیأت به عنوان نوعی مرجع استثنایی (اختصاصی) غیر دادگستری مانع از آن نخواهد بود که طرفین بتوانند با توافق یکدیگر و انعقاد یک قرارداد داوری، موضوع اختلاف خود را به داوری ارجاع دهند. زیرا بدیهی است که اصل حاکمیت اراده سنگ بنای حقوق حل و فصل اختلافات است که انتخاب مرجع رسیدگی‌کننده (اعم از دادگاه یا دیوان داوری) یکی از مصادیق آن است. ارجاع به داوری تنها در صورتی غیر ممکن است که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد.» [۱۵]

در این رأی مبنای قابلیت ارجاع امر به داوری را در صلاحیت مراجع عمومی یا اختصاصی بودن نمی‌داند، و

صرف در صلاحیت یک مرجع اختصاصی بودن را دلیل بر عدم قابلیت ارجاع امر به داوری نمی‌داند؛ بلکه به موجب این رأی خصوصی بودن ماهیت اختلافات در صلاحیت هیأت داوری بورس دلالت بر قابلیت ارجاع این دعاوی به داوری دارد. این استدلال (قابلیت ارجاع امر به داوری بر اساس ماهیت موضوع اختلاف و نه بر اساس در صلاحیت مرجع عمومی یا اختصاصی بودن آن) با توجه به ماهیت خصوصی داوری قابل توجیه به نظر می‌رسد. با این حال، مشخص نیست که در صورت ارجاع دعاوی در صلاحیت هیأت داوری بورس به داوری از سوی طرفین اختلاف مرجع رسیدگی به درخواست ابطال رأی داور در صورت تحقق جهات مندرج در ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی کجاست؟ در این صورت به نظر می‌رسد به علت فقدان تصریح قانونی و استثنایی بودن صلاحیت هیأت داوری بورس؛ صلاحیت این هیأت در رسیدگی به این درخواست منتفی است؛ اما صلاحیت دادگاه عمومی در رسیدگی به درخواست ابطال رأی داور در خصوص موضوعی که بدو از صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی خارج شده است و در صلاحیت هیأت داوری بورس قرار گرفته است، نیز منطقی به نظر نمی‌رسد.

۳. صلاحیت هیأت داوری بورس

به موجب ماده (۳۶) قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ رسیدگی به کلیه اختلافات بین «کارگزاران»، «بازارگردانان»، «کارگزار/معامله‌گران»، «مشاوران سرمایه‌گذاری»، «ناشران»، سرمایه‌گذاران، و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها، در صورت عدم سازش در «کانون»‌ها توسط «هیأت داوری» در صلاحیت هیأت داوری بورس قرار گرفته است.

براین اساس، این هیأت تنها در صورت عدم تحقق سازش در کانون‌ها صلاحیت رسیدگی به کلیه‌ی اختلافات این گروه‌ها که از فعالیت حرفه‌ای ایشان ناشی می‌شود،

را دارد. منظور از کانون‌ها به موجب بند ۵ ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار عبارت است از کانون‌های کارگزاران، معامله‌گران، بازارگردانان، مشاوران، ناشران، سرمایه‌گذاران و سایر مجامع مشابه، تشکل‌های خود انتظامی است که به منظور تنظیم روابط بین اشخاصی که طبق این قانون به فعالیت در بازار اوراق بهادار اشتغال دارند، طبق دستورالعمل‌های مصوب «سازمان» به صورت مؤسسه غیردولتی، غیرتجاری و غیرانتفاعی به ثبت می‌رسند. بنابراین پیش شرط صلاحیت این مرجع صدور گواهی عدم سازش در این کانون‌ها بوده و اشخاص نمی‌توانند به طور مستقیم اختلاف خود را در هیأت داور داور بورس مطرح کنند. برای این منظور مطابق ماده (۶) دستورالعمل کمیته سازش کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۷ هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، شاکی شکایت خود را به دبیرخانه کمیته سازش تسلیم می‌کند. دبیرخانه مطابق ماده (۷) این دستورالعمل موضوع دعوا را ظرف سه روز کاری پس از دریافت شکایت به همراه مستندات آن به خواننده ابلاغ نموده و مهلت ده روزه‌ای را برای دریافت پاسخ تعیین می‌نماید. پس از انقضای مهلت مذکور، در صورت دریافت پاسخ، حداکثر ظرف سه روز پاسخ مربوطه به خواهان ابلاغ می‌شود. در غیر این صورت، پرونده به کمیته سازش ارسال خواهد شد. در صورت پذیرش پاسخ خواننده از سوی خواهان، سازش محقق شده و طرح دعوا در هیأت داور داور منتفی خواهد بود. در غیر این صورت طرفین مطابق ماده (۱۲) دستورالعمل به جلسه کمیته دعوت شده و در صورت عدم تحقق سازش گواهی عدم سازش صادر می‌شود. این گواهی مطابق ماده (۱۳) این دستورالعمل حاوی «مشخصات اطراف دعوا، موضوع اختلاف و ادعای خواهان، پاسخ خواننده و پیشنهادات کمیته سازش نسبت به موضوع متنازع‌فیه و در نهایت اعلام عدم امکان حصول سازش بین طرفین» خواهد بود.

در هر حال در صورت عدم تحقق سازش هیأت داور بورس برای رسیدگی به اختلاف صالح خواهد بود. از منظر صلاحیت محلی هیأت داور، باید گفت مطابق قانون بازار اوراق بهادار یک هیأت داور در کشور تشکیل می‌گردد و کلیه فعالان بازار سرمایه از سراسر کشور مجاز به طرح اختلافات حرفه‌ای خود در این مرجع هستند [۱۶].

البته صلاحیت هیأت مزبور مشروط به تحقق شرایطی است، که با توجه به استثنایی بودن این مرجع تحقق همه‌ی این شرایط برای صلاحیت آن ضروری است. اولاً لازم است که اختلافات ناشی از فعالیت‌های حرفه‌ای این اشخاص باشد. ثانیاً لازم است که اختلاف بین فعالان بازار باشد و هیأت مزبور صالح برای رسیدگی به اختلافات سایر اشخاص نخواهد بود.

بر این اساس مباحث این بخش از این مقاله در دو قسمت مطرح خواهد شد، ابتدا قلمرو موضوعی صلاحیت این هیأت بررسی خواهد شد و پس از آن به قلمرو شخصی صلاحیت هیأت پرداخته خواهد شد.

۳-۱. قلمرو موضوعی صلاحیت هیأت داور: اختلافات ناشی از فعالیت حرفه‌ای فعالان بازار برای صلاحیت هیأت داور بورس لازم است که اختلافات ناشی از فعالیت‌های حرفه‌ای فعالان بازار باشد. در ماده (۹) دستورالعمل آیین رسیدگی به اختلافات در هیأت داور قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۹۸/۵/۱۴ صلاحیت هیأت داور بورس محدود به «کلیه دعاوی مالی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از فعالیت حرفه‌ای باشند» شده است؛ در حالی که در ماده (۳۶) قانون بازار اوراق بهادار تصریح به اختصاص صلاحیت هیأت به دعاوی مالی اشاره نشده بود. علاوه بر این، ابهاماتی در خصوص مفهوم و مصادیق اختلافات ناشی از فعالیت‌های حرفه‌ای وجود دارد.

در تعریف فعالیت حرفه‌ای برخی گفته‌اند که «فعالیتی است که به صورت شغل معمولی شخص انجام می‌یابد.» و بر اساس این تعریف نتیجه گرفته‌اند که فعالیت اشخاصی را که به طور محدود و فقط برای یک یا چند بار، اقدام به انعقاد معامله نموده‌اند، فعالیت حرفه‌ای محسوب نمی‌شود و در این موارد رسیدگی به اختلافات از صلاحیت هیأت داوری خارج بوده و در صلاحیت دادگاه حقوقی قرار دارد [۵]. به نظر می‌رسد این تعریف چندان با مراد مقنن از تدوین این ماده سازگار نباشد و هیچ قرینه‌ای در متن ماده مزبور وجود ندارد که بر اساس آن بتوان برداشت نمود که منظور از فعالیت حرفه‌ای در ماده مزبور شغل معمولی شخص است. برخی تعریفی گسترده‌تر از فعالیت حرفه‌ای ارائه نموده‌اند و آن را شامل «هر نوع تکالیف و حقوق قانونی فعالان بازار که در دامنه صلاحیت آن عضو است... خواه یک بار انجام شود و به اختلاف منجر شود، خواه به دفعات متعدد. به بیان دیگر هر اقدام قانونی ناشی از مشارکت فرد در بازار... در جهت ایفای تکالیف قانونی شخص یا استیفای حقوق قانونی وی» می‌دانند [۲].

به نظر می‌رسد منظور از فعالیت حرفه‌ای، فعالیت تخصصی در ارتباط با بازار سرمایه است. چنانچه در صورتی که سهامداری در ارتباط با عدم پرداخت سود از سوی ناشر با شرکت عرضه‌کننده سهام اختلاف یابد؛ این اختلاف ناشی از فعالیت حرفه‌ای سهامدار و ناشر محسوب شده و در صلاحیت هیأت داوری بورس قرار خواهد گرفت، هر چند شغل معمولی سهامدار سهامداری نیست، و شغل عادی شرکت هم ارائه سود به سهامداران نیست؛ اما در صورتی که سهامداری که به عنوان مدیر شرکت با آن شرکت رابطه‌ی استخدامی دارد، در خصوص پرداخت حقوق خود با شرکت اختلاف پیدا کند، اختلاف مزبور به واسطه‌ی این که ناشی از فعالیت تخصصی مربوط به بازار سرمایه نیست، از صلاحیت هیأت داوری خارج بوده و در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی قرار خواهد داشت. بر همین مبنا در رأی

شعبه سوم دادگاه عمومی تهران در مقام تعریف فعالیت حرفه‌ای آن را شامل «هر نوع فعالیت در بازار متشکل سرمایه (اعم از خرید و فروش اوراق بهادار یا کالا، بازرگردانی، سبدگردانی و امثال آن می‌شود.» [۱۵]

۲-۳. قلمرو شخصی صلاحیت هیأت داوری
هیأت داوری بورس، در رسیدگی به دعاوی همه‌ی اشخاص صالح نیست، بلکه برای تحقق صلاحیت آن وجود شرایطی در طرفین اختلاف لازم است. از سوی دیگر ابهاماتی در خصوص امکان یا عدم امکان تسری صلاحیت این هیأت به دعاوی بورسی مربوط به شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به مؤسسات عمومی غیردولتی وجود دارد که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲-۳. لزوم فعال بازار بودن طرفین اختلاف
با توجه به ظاهر عبارت ماده (۳۶) قانون بازار اوراق بهادار به نظر می‌رسد برای تحقق صلاحیت هیأت داوری بورس باید دو طرف اختلاف جزء فعالان بازار (اشخاص موضوع ماده (۳۶) قانون بازار اوراق بهادار) باشند. البته با توجه به استفاده از عبارت «و سایر اشخاص ذیربط» در این ماده، این اشخاص قلمروی گسترده را در بر می‌گیرد، به گونه‌ای که تحقق اختلافی که ناشی از فعالیت حرفه‌ای اشخاص باشد، و یکی از طرفین آن از اشخاص مرتبط با بازار اوراق بهادار محسوب نشود، قدری دور از ذهن به نظر می‌رسد.

برخی با قیاس فعالیت حرفه‌ای با عمل تجاری، فعالیت حرفه‌ای در بازار بورس را به فعالیت اصلی و تبعی تقسیم نموده و با ارائه تعریفی نسبتاً گسترده آن را شامل فعالیت‌هایی می‌دانند که یا از حیث موضوع مقوله‌ای بورسی است یا اینکه بتوان بسته به شخص، گرچه یک مرتبه هم از سوی او به وقوع پیوسته باشد، آن را واقعه‌ای بورسی به حساب آورد. [۴] به نظر می‌رسد برای شمول صلاحیت این هیأت بر اختلافات بورسی، هم شخص باید در زمره‌ی

اشخاص موضوع ماده (۳۷) قانون بازار اوراق بهادار باشد، و هم اختلاف باید ناشی از فعالیت حرفه‌ای ایشان باشد. لذا ترکیبی از دو معیار شخصی و موضوعی برای تحقق صلاحیت هیأت داوری لازم است و در صورت فقدان هر یک از آن‌ها، هیأت داوری صالح نخواهد بود.

بنابراین می‌توان گفت که هیأت داوری بورس صلاحیت رسیدگی به کلیه اختلافات فعالان بازار که از فعالیت حرفه‌ای ایشان ناشی می‌شود را دارد و این امر شامل آن دسته از فعالان بازار که حتی یک بار اقدام به فعالیت در بازار نموده‌اند نیز می‌شود. البته رسیدگی به اختلافات غیربورسی این اشخاص که از فعالیت حرفه‌ای ایشان ناشی نمی‌شود، از صلاحیت هیأت داوری خارج است. همچنین در صورتی که اختلافات مذکور جنبه‌ی کیفری یابد، هرچند جرم ارتكابی ناشی از فعالیت حرفه‌ای اشخاص مذکور باشد، به موجب ماده (۵۲) قانون بازار اوراق بهادار [۱۷] خارج از صلاحیت مرجع مزبور خواهد بود. بنابراین عبارت اختلافات در ماده (۳۶) این قانون منصرف به اختلافات حقوقی بین فعالان بازار است که از فعالیت حرفه‌ای ایشان ناشی می‌شود.

۲-۲-۳. صلاحیت هیأت داوری بورس بر دعاوی راجع به شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به مؤسسات عمومی غیردولتی

به موجب ماده (۳۶) قانون بازار اوراق بهادار رسیدگی به اختلافات بین فعالان بازار نظیر کارگزاران، بازارگردانان، کارگزار/معامله‌گران، مشاوران سرمایه‌گذاری، ناشران، سرمایه‌گذاران، و سایر اشخاص ذی‌ربط که از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها، ناشی می‌شود در صلاحیت هیأت داوری بورس است. ظاهراً این ماده به‌نحو مطلق تنظیم شده و شامل مواردی که شرکت‌های سهامی عام دولتی یا شرکت‌های وابسته به مؤسسات عمومی غیردولتی به‌طور عمومی سهم منتشر می‌کنند و تحت عنوان ناشر قرار می‌گیرند، و به‌گونه‌ای

در ارتباط با فعالیت حرفه‌ای خود با سایر اشخاص اختلاف پیدا می‌کنند، نیز می‌شود. همچنین در صورتی که این شرکت‌ها به‌عنوان سایر فعالان بازار عمل کنند، نیز ظاهراً رسیدگی به اختلافات حرفه‌ای ایشان در صلاحیت هیأت داوری بورس است.

برخی ویژگی‌های این شرکت‌ها ممکن است تردیدهایی در صلاحیت هیأت داوری نسبت به رسیدگی به اختلافات بورسی این شرکت‌ها پدید آورد. از یک سو ممکن است تصور شود که با توجه به این که مطابق اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده (۴۵۷) قانون آیین دادرسی مدنی، ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری منوط به تصویب هیأت وزرا و اطلاع مجلس است؛ ارجاع دعاوی بورسی شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به مؤسسات عمومی غیردولتی به هیأت داوری بورس هم مشمول این محدودیت‌ها است [۵]. در توجیه این نظر گفته شده «با توجه به این که در مواد (۳۶) و (۳۷) قانون بازار راجع به صلاحیت دعاوی و اختلافات دولتی و شهرداری‌ها مطلبی عنوان نگردیده و موضوع مسکوت مانده است و با توجه به اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده (۴۵۷) قانون آیین دادرسی مدنی که ارجاع به داوری این‌گونه دعاوی فقط با تصویب هیأت وزیران مجاز می‌باشد، بنابراین اختلافات و دعاوی بورسی دولت و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در صلاحیت هیأت داوری» نیست [۵]. به‌نظر می‌رسد همان‌طور که گفته شد هیأت داوری بورس ماهیتاً متمایز از داوری اصطلاحی است، و لذا محدودیت‌های موجود در برابر ارجاع دعاوی به داوری، شامل هیأت داوری بورس نمی‌شود.

از سوی دیگر، تصویب قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به‌منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸ و مستثنی شدن شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها از برخی تکالیف ناشران (تکالیف موضوع مواد ۱۳ تا ۱۶ این قانون [۱۸]) در تبصره ۳ ماده (۱۶) این قانون موجب ایجاد تردیدهایی در

این خصوص شده است. بر همین اساس برخی معتقدند که «دعاوی و اختلافات دولتی و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها ناشی از ماده (۱۵) این قانون به هیأت داورى بورس ارجاع نمی‌گردد.» و حتی از لحن عبارات ایشان چنین برمی‌آید که با این گزینه می‌توان عدم صلاحیت هیأت را نسبت به کلیه دعاوی بوری شرکت‌های دولتی و وابسته به مؤسسات عمومی غیردولتی استنباط نمود [۵]. این استدلال نیز قابل قبول به نظر نمی‌رسد. چرا که آن‌گونه که در متن تبصره ۳ ماده (۱۶) این قانون آمده است «دولت، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها از شمول تکالیف مربوط به ناشران اوراق بهادار موضوع مواد (۱۴)، (۱۳)، (۱۵) و (۱۶) این قانون مستثنی هستند.» نه کلیه احکام مقرر در این مواد. لذا استثنای این نهادها از تکلیف مندرج در ماده (۱۵) قانون مزبور مبنی بر توزیع و پرداخت سود به موقع و در چارچوب مقررات «در صورتی که اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس و یا اوراق بهادار مبتنی بر کالا که در بورس کالا پذیرفته می‌شود متضمن سود مصوب، سرسید شده یا تضمین شده باشد»؛ به منزله‌ی تخصیص حکم قسمت اخیر این ماده مبنی بر صلاحیت هیأت داورى بورس بر دعاوی راجع به پرداخت سود این شرکت‌ها و به طریق اولی احکام مقرر در قانون بازار اوراق بهادار در خصوص صلاحیت این هیأت برای رسیدگی به سایر دعاوی بوری آن‌ها نخواهد بود. بنابراین رسیدگی به اختلافات شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به شرکت‌های دولتی در صلاحیت هیأت داورى بورس خواهد بود.

۴. قطعیت آرای هیأت داورى

به موجب تبصره ۵ ماده (۳۷) قانون بازار اوراق بهادار «آرای صادر شده از سوی «هیأت داورى» قطعی و لازم‌الاجرا است و اجرای آن به عهده اداره‌ها و دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک می‌باشد.» بنابراین آرای این مرجع قطعی بوده و قابل

تجدید نظر نخواهد بود. با توجه به تمایز ماهیت این مرجع از داورى اختیاری امکان درخواست ابطال آرای آن از دادگاه به موجب ماده (۴۸۹) قانون آیین دادرسی مدنی نیز وجود ندارد.

در خصوص پذیرش اعتراض از آرای هیأت داورى در دادگاه‌های حقوقی در رویه دادگاه‌ها اختلاف وجود دارد. برخی دادگاه‌ها خود را صالح دانسته و به اعتراض رسیدگی نموده‌اند [۱۹]؛ چنانچه شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی تهران در این خصوص مقرر داشته است: «با توجه به صلاحیت عام محاکم دادگستری، دادگاه‌ها مرجع رسیدگی به اعتراض از آرای مراجع خارج از دادگستری (از جمله هیأت داورى بورس) می‌باشند. زیرا به استناد اصل ۱۵۹ قانون اساسی دادگستری مرجع عمومی و رسمی رسیدگی به تظلمات است و به استناد اصل ۱۳۴ قانون اساسی دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند. بنابراین چنانچه قانون در رابطه با مرجع اعتراض به آرای مراجع غیردادگستری ساکت باشد، این امر مانع از رجوع به محاکم دادگستری نخواهد بود.» [۱۵] در تأیید این نظر استدلال شده است که «موضوع دعاوی مورد بحث، ترافعی و حقوقی است، با توجه به اهمیت استقلال قوه قضاییه و اینکه امر قضا منحصرأ در اختیار این دستگاه می‌باشد، و با توجه به ترافعی بودن ماهیت قضایی این آراء» می‌توان امکان اعتراض به رأی در دادگاه عمومی را پذیرفت [۲۰].

در مقابل برخی دادگاه‌ها به واسطه صلاحیت ذاتی هیأت داورى خود را در رسیدگی به اعتراض به رأی هیأت داورى امتناع نموده‌اند و دعوا را غیرقابل استماع دانسته‌اند؛ با این استدلال که به واسطه تخصصی بودن این اختلافات و به جهت لزوم رعایت اصل سرعت در رسیدگی به اختلافات تجاری به موجب قانون رسیدگی به اختلافات بوری در صلاحیت هیأت داورى بورس قرار گرفته است و قانون‌گذار صراحتاً به قطعیت آرای آن اشاره نموده است.

[۲۱][۲] به نظر می‌رسد با توجه به صراحت ماده (۳۶) قانون بازار اوراق بهادار برقرار گرفتن اختلافات موضوع این ماده در صلاحیت ذاتی هیأت داوری بورس، و دلالت این امر بر خروج این اختلافات از صلاحیت دادگاه عمومی؛ و نیز با توجه به تصریح بند ۵ ماده (۳۷) این قانون بر قطعیت آرای این هیأت نمی‌توان قابل تجدید نظر بودن آرای آن در دادگاه عمومی حقوقی را پذیرفت. [۲۲]

بحث دیگری که در این خصوص مطرح است، امکان یا عدم امکان اعتراض به آرای این مرجع در دیوان عدالت اداری است. در نشست قضایی قضات استان تهران مورخ ۱۳۸۵/۳/۴ نظر اکثریت قضات حاضر مبنی بر این بود که آرای هیأت داوری همانند آرای هیأت‌ها و کمیسیون‌های موضوع بند (۲) ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری قابل اعتراض در دیوان مذکور بوده و اعتراض به آن هم مقید به ظرف زمانی خاصی نمی‌باشد؛ با این توجیه که «در بسیاری از موارد آرای هیأت‌ها و کمیسیون‌های قانونی علی‌رغم اعلام قطعیت آن، قابل اعتراض در دادگاه عمومی یا دیوان عدالت اداری شناخته شده که از جمله می‌توان به ماده (۲۱) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ و ماده (۱۴) قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ اشاره نمود، که علی‌رغم قطعیت آرای صادره از هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و هیأت‌های مرکزی گزینش، آن آرا را حسب مورد ظرف مدت یک و دو ماه قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری می‌داند. البته واضح است که در این موارد رسیدگی دیوان عدالت اداری با توجه به بند (۲) ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری (رسیدگی منحصرًا از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها) و تبصره (۱) ماده (۲۱) قانون رسیدگی به تخلفات اداری سال ۱۳۷۲ و ماده (۱۴) قانون گزینش معلمان سال ۱۳۷۴، رسیدگی شکلی است و در صورت نقض رأی، بدون ورود در ماهیت، رسیدگی مجدد را به هیأت‌های همعرض ارجاع خواهد نمود. بنابراین با توجه به مراتب فوق

و نظر به اینکه هیأت داوری بورس نیز از مصادیق هیأت‌ها و کمیسیون‌های قانونی مقرر در بند (۲) ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۶۰ محسوب می‌گردد و نظر به اینکه رأی هیأت داوری بورس علی‌رغم قطعیت آن قابل اعتراض و قابل رسیدگی شکلی در دیوان عدالت اداری می‌باشد، بنابراین رأی هیأت داوری قابل اعتراض و رسیدگی شکلی در دیوان عدالت اداری است.» [۲۳]

در جلسه مورخ ۸۵/۱۱/۱۹ نیز برخی قضات در توجیه قابل اعتراض بودن آرای این مرجع در دیوان عدالت اداری این‌گونه استدلال نمودند: «با توجه به ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری و ماده (۵) قانون بازار اوراق بهادار که صراحتاً آورده است «سازمان مؤسسه عمومی غیردولتی است...» و هیأت مدیره بورس [۲۴] و هیأت داوری نیز زیرمجموعه سازمان و با توجه به تبصره (۴) ماده (۳۷) همان قانون از بودجه سازمان استفاده می‌نمایند و همچنین با عنایت به قانون تفسیر ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری در رابطه با قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۴/۷/۱۱ مجلس شورای اسلامی که صراحتاً آمده است «با توجه به ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری رسیدگی به شکایات علیه مؤسسات و نهادهای عمومی احصا شده. در قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نیز در صلاحیت دیوان عدالت اداری می‌باشد.» هرچند که قانون بازار اوراق بهادار بعد از قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی تصویب گردید (آذرماه ۱۳۸۴)، از وحدت ملاک قانون مذکور می‌توان استفاده نمود و آرای صادره از سوی هیأت مدیره بورس و هیأت داوری را قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری دانست. هرچند تبصره (۵) ماده (۳۷) قانون بازار اوراق بهادار این آرا را قطعی و لازم‌الاجرا دانسته است.» [۲۳]

با وجود این، به نظر می‌رسد آرای این مرجع قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری نیز نیست. [۲] زیرا آن‌گونه که از ماهیت این دیوان و نحوه تنظیم بند (۲) ماده (۱۰) قانون

تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ [۲۵] بر می آید؛ این دیوان مرجع رسیدگی به اعتراض از آرا و تصمیمات قطعی مراجع اداری از حیث نقض قوانین و مقررات است، در حالی که هیأت داوری بورس مرجعی غیراداری محسوب می شود و در زمره مراجع قضایی (به مفهوم اعم) قرار می گیرد.

۵. نتیجه گیری و توصیه های سیاستی

هیأت داوری بورس، بنا بر قانون تأسیس بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳۴۵ به منظور رسیدگی به اختلافات کارگزاری ها ایجاد شد. این هیأت در قانون بازار اوراق بهادار ابقا شد و صلاحیت آن گسترش قابل توجهی یافت. به نظر می رسد علی رغم اطلاق عنوان داوری برای هیأت از سوی قانون گذار، هیأت مزبور با توجه به اختیاری نبودن ارجاع امر به داوری و عدم اختیار طرفین اختلاف در تعیین اعضای هیأت، مصداق داوری اختیاری و یا اجباری محسوب نمی شود. به همین دلیل، بهتر است عنوان این مرجع به گونه ای اصلاح گردد تا هرگونه شبهه ای مبنی بر ارتباط آن با داوری مرتفع گردد. بر این اساس از یک سو به نظر می رسد با توجه به ماهیت قضایی رسیدگی در آن، این هیأت مرجعی قضایی (به مفهوم اعم) محسوب می شود. همچنین با توجه به استثنایی بودن موارد صلاحیت آن، مرجعی اختصاصی محسوب می گردد و با توجه به عدم انتخاب بعضی از اعضای آن از سوی رییس قوه قضاییه و از بین قضات، این مرجع قضایی استثنایی خارج از دادگستری محسوب می گردد.

در خصوص صلاحیت این هیأت نیز باید گفت که با توجه به ماده (۳۶) قانون بازار اوراق بهادار رسیدگی کلیه اختلافات غیر کیفری موجود بین فعالان بازار که از فعالیت حرفه ای ایشان ناشی می شود، در صلاحیت این هیأت قرار دارد. منظور از فعالیت حرفه ای نیز فعالیت تخصصی در ارتباط با بازار سرمایه است و به معنای این نیست که

اختلاف باید از شغل معمولی طرف دعواناشی شده باشد. در عین حال، با عنایت به اختصاصی بودن این مرجع، لازم بود قانون گذار با شفافیت بیشتری قلمرو صلاحیت این هیأت را تعیین نماید. همچنین برای صالح بودن این هیأت اجتماع دو عامل شخصی و موضوعی ضروری است و علاوه بر این که شخص طرف اختلاف باید در زمره اشخاص موضوع ماده (۳۶) قانون بازار اوراق بهادار باشد، موضوع اختلاف نیز باید از موضوعاتی باشد که از فعالیت حرفه ای اشخاص مزبور ناشی می شود. همچنین با توجه به اطلاق عبارات ماده (۳۶) قانون بازار اوراق بهادار به نظر می رسد صلاحیت هیأت داوری شامل مواردی که شرکت های سهامی عام دولتی یا شرکت های وابسته به مؤسسات عمومی غیردولتی به طور عمومی سهم منتشر می کنند و تحت عنوان ناشر قرار می گیرند، و نیز در مواردی که این شرکت ها به عنوان سایر فعالان بازار عمل کنند، و به گونه ای در ارتباط با فعالیت حرفه ای ایشان با سایر اشخاص اختلاف پیدا می کنند، نیز می شود. البته برای تحقق این صلاحیت ضروری است که اولاً شرکت دولتی یا شرکت وابسته به مؤسسات عمومی غیردولتی جزء اشخاص موضوع ماده (۳۶) محسوب شود؛ و ثانیاً موضوع اختلاف از اموری باشد که از فعالیت حرفه ای ایشان ناشی می شود.

همچنین آرای هیأت داوری به موجب تبصره (۵) ماده (۳۷) قطعی محسوب می شود. این آرا به واسطه تمایز ماهیت این هیأت از داوری اصطلاحی به موجب ماده (۴۸۹) قانون آیین دادرسی مدنی قابل درخواست ابطال نیست. همچنین نمی توان قائل به قابل تجدید نظر بودن آرای آن در دادگاه عمومی حقوقی بود، و قابلیت اعتراض به آرای آن در دیوان عدالت اداری نیز به واسطه قضایی (به معنی اعم) بودن این مرجع و اختصاص صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراض از آراء مراجع اداری منتفی است. با این وجود، با توجه به حساسیت دعاوی در صلاحیت این هیأت لازم است قانون به گونه ای اصلاح گردد

که هیأت تجدید نظر نیز در این خصوص پیش‌بینی گردیده یا بر صلاحیت دادگاه عمومی برای رسیدگی به اعتراض از آرای این هیأت تصریح گردد.

پی‌نوشت

۱. ساختار بازار سرمایه ایران بعد از تصویب قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴، با ساختار آن در زمان حکومت قانون ۱۳۴۵ تفاوت پیدا کرد و نهادهای نظارتی و اجرایی از یکدیگر تفکیک شدند. مطابق قانون ۱۳۴۵ سازمان کارگزاری بورس اوراق بهادار تهران، به عنوان تنها نهاد خودانتظام تحت نظارت شورای بورس فعالیت می‌کرد و تمام اقدامات نظارتی و اجرایی بازار در این سازمان انجام می‌شد. با این حال در قانون ۱۳۸۴ نهادهای نظارتی و اجرایی از هم تفکیک شد. (ابراهیمی، ۱۳۹۵، ص. ۲۴).
۲. میرزایی منفرد، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۷۰، ۱۷۷.
۳. فهیمی، ۱۳۸۸، ص. ۲۱.
۴. صادقی، صادقی مقدم و صالحی، ۱۳۹۴، ص. ۲۴۶، ۲۵۹.
۵. عبدی پور فرد، پارساپور و رجب زاده، ۱۳۸۹، ص. ۴۱۹، ۴۳۴، ۴۲۹، ۴۳۰.
۶. پیشینه حل و فصل اختلافات بین سرمایه‌گذاران شخصی و فعالان صنعت اوراق بهادار در آمریکا به ۱۳۰ سال قبل بر می‌گردد. از ۱۸۷۲، بورس‌ها و رگولاتورها قواعدی را برای حل مؤثر و منصفانه اختلافات وضع کردند. امروزه فی‌نرا (FINRA) بزرگ‌ترین مرجع حل اختلاف بازار اوراق بهادار در این کشور است که سالیانه بیش از ۴۰۰۰ اختلاف را حل و فصل می‌کند. (SIFMA, 2007, p. 6)
7. SIFMA, 2007, p. 7.
۸. یمرلی، ۱۳۸۹، ص. ۳۹۸.
۹. مبین، ۱۳۸۶، ص. ۴۹۰.
۱۰. شمس، ۱۳۸۱، ص. ۹۷، ۹۸ و ۱۰۵.
۱۱. البته برخی با توجه به تفاوت‌های بین این مرجع با سایر مراجع غیردادگستری نظیر ماهیت قضایی رسیدگی در این مرجع برخلاف سایر مراجع خارج از دادگستری؛ آن را یک مرجع اختصاصی دادگستری ویژه خوانده‌اند که می‌توان به اعتبار شباهت عملکرد و رسیدگی آن با مراجع قضایی آن را مرجعی شبه قضایی دانست. (میرزایی منفرد، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۲)
۱۲. علاوه بر این، برخی از نظر ماهیت عملکرد و موضوع اختلافات مطروحه نیز بین این دو قائل به تفاوتند: «علی‌الاصول صلاحیت هیأت داوری بازار از حیث ماهیت عملکرد و موضوعات و اختلافات مطروحه با صلاحیت

مراجع اختصاصی غیردادگستری متفاوت است. هیأت داوری بازار اوراق بهادار در رسیدگی به ادعاها و اختلافات به ماهیت عقود قراردادهای و معاملات ورود قضایی پیدا کرده و تشخیص قضایی می‌دهد. به بیان دیگر عملکرد هیأت داوری در بررسی قراردادهای و معاملات حوزه قانون بازار اوراق بهادار مشابه عملکرد قضاوت دادگاه‌های عمومی در سایر عقود و معاملات است. این مرجع صلاحیت اظهار نظر در خصوص ماهیت مبنای قراردادهای منعقد بین فعالان بازار اوراق بهادار و صوری یا واقعی بودن آنان و یا صدور رای به ایفای تعهدات ناشی از قراردادهای منعقد را دارد. اما از بررسی حدود صلاحیت سایر مراجع اختصاصی غیردادگستری چنین استنباط می‌شود که اصولاً ماهیت عملکرد آنان واجد چنین وصفی نیست. در قوانین مربوط به مراجع اختصاصی مزبور یا قوانین حاکم، موضوع قابلیت اعتراض و تجدید نظر خواهی تصریح شده بود، ولی در خصوص هیأت داوری بازار اوراق بهادار نه تنها بحثی از امکان تجدید نظر از آرا به میان نیامده بلکه آرای صادره را لازم‌الاجرا دانسته و مرجع اجرا را نیز مشخص کرده است.» (کریم لو، ۱۳۹۴، ص. ۶۰)

۱۳. سلطانی، ۱۳۹۵، ص. ۳۲۶.
۱۴. جنیدی و غیاثوند قزوینی، ۱۳۹۶، ص. ۳۹۰.
۱۵. رأی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۰۱۹۶ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۰۴ صادره در پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۲۲۶۳۰۰۱۹۶ شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی
۱۶. سلطانی، خلیلی، سهرابی، فلاح تفتی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۶.
۱۷. در این ماده آمده است: «سازمان مکلف است مستندات و مدارک مربوط به جرائم موضوع این قانون را گردآوری کرده و به مراجع قضایی ذی صلاح اعلام نموده و حسب مورد موضوع را به عنوان شاکی پیگیری نماید. چنانچه در اثر جرائم مذکور ضرر و زیانی متوجه سایر اشخاص شده باشد، زیان دیده می‌تواند برای جبران آن به مراجع قانونی مراجعه نموده و وفق مقررات، دادخواست ضرر و زیان تسلیم نماید.»
۱۸. در این مواد آمده است:

ماده ۱۳. مدیران نهادهای مالی، ناشران اوراق بهادار و تشکل‌های خودانتظام شامل اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل باید فاقد محکومیت قطعی کیفری مؤثر بوده و از صلاحیت حرفه‌ای لازم برخوردار باشند. در صورت فقدان یا سلب صلاحیت حرفه‌ای نامبردگان، مرجع انتخاب‌کننده موظف است از انتخاب آنان به سمت‌های یادشده خودداری نموده و یا مدیران انتخاب شده را از آن سمت برکنار نماید. شرایط و معیارهای صلاحیت حرفه‌ای مدیران مذکور صرفاً از حیث تحصیلات و سوابق تجربی مرتبط و همچنین نحوه سلب صلاحیت آنها توسط سازمان، به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد شورای عالی بورس و اوراق بهادار به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۴. ناشران اوراق بهادار، نهادهای مالی و تشکلهای خودانتظام و نیز اشخاصی که به عنوان مدیران آنها انتخاب می‌شوند، در صورت نقض قوانین و مقررات مربوط به فعالیت هر یک از آنها متخلف محسوب شده و سازمان علاوه بر اقدامات انضباطی مندرج در مواد (۷) و (۳۵) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران میتواند نسبت به اخذ جریمه نقدی از متخلفین از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اقدام و به حساب خزانه واریز نماید. آئین نامه مربوط به تعیین میزان جرایم نقدی متناسب با عمل ارتكابی به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های اموراتصادی و دارایی و دادگستری تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تبصره ۱۵. مبالغ جزای نقدی هر سه سال یک بار متناسب با رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی اعلام می‌شود با پیشنهاد شورای عالی بورس و اوراق بهادار و تصویب هیأت وزیران تعدیل می‌شود.

تبصره ۲. آرای صادره در خصوص جریمه‌ها لازم‌الاجراء بوده و از طریق دواير اجراء ثبت و اجراء احکام دادگاه‌ها قابل وصول است.

تبصره ۳. قوه قضاییه می‌تواند گزارش سازمان در خصوص وقوع جرائمی که آن سازمان به عنوان شاکی و در اجرای ماده (۵۲) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران نسبت به طرح شکایت در مراجع ذی صلاح قضایی اقدام مینماید را در حکم گزارش ضابطان دادگستری تلقی نماید. کارکنان سازمان در اجرای دستورات قضایی مربوط به جرائم مذکور کلیه اختیارات و مسؤولیت‌هایی را که برای ضابطان دادگستری در قانون آئین دادرسی کیفری تصریح یا بیان شده است دارا می‌باشند. کارکنان مرتبط با معرفی رییس سازمان و حکم دادستان تعیین می‌شوند.

ماده ۱۵. در صورتی که اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس و یا اوراق بهادار مبتنی بر کالا که در بورس کالا پذیرفته می‌شود متضمن سود مصوب، سرسید شده یا تضمین شده باشد، باید به موقع و در چارچوب مقررات، توزیع و پرداخت شود. در صورت خودداری ناشران و شکایت صاحبان اوراق بهادار یا سازمان، موضوع در هیأت داورى قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران طرح و آراء صادره در این خصوص از طریق اجراء احکام دادگاه‌ها قابل اجراء است.

ماده ۱۶. در صورت درخواست سازمان، کلیه اشخاص تحت نظارت از قبیل ناشران، نهادهای مالی و تشکلهای خودانتظام موظفند اسناد، مدارک، اطلاعات و گزارش‌های مورد نیاز برای انجام وظایف و مسؤولیت‌های قانونی سازمان را ارائه کنند. سازمان می‌تواند نسبت به ارائه اطلاعات، اسناد، مدارک و گزارش‌های مذکور به مراجع و نهادهای ذی صلاح داخلی و یا بین‌المللی با موافقت دادستان کل در چارچوب صلاحیت‌های قانونی آن‌ها اقدام نماید. مدیران اشخاص حقوقی تحت نظارت در صورت خودداری از انجام موارد

فوق به مجازات مندرج در صدر ماده (۴۹) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران محکوم می‌شوند.

تبصره ۱: در صورتی که ارائه دهنده اطلاعات، اسناد، مدارک و گزارش اعلام نماید که موارد ارائه شده جزو اسرار تجاری وی محسوب و غیرقابل انتشار می‌باشد، موضوع در هیأت مدیره سازمان مطرح و تصمیم گیری می‌شود. تصمیم هیأت مدیره سازمان در خصوص موضوع لازم‌الاتباع و مبنای اقدام خواهد بود.

تبصره ۲: اسرار تجاری محرمانه تلقی شده و در صورت افشای آن، سازمان مسؤول جبران ضرر و زیان وارده به ارائه دهنده اسناد، مدارک و اطلاعات می‌باشد مشروط بر اینکه افشای اسرار تجاری توسط سازمان و در غیر موارد قانونی صورت گرفته باشد.

تبصره ۳: دولت، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها از شمول تکالیف مربوط به ناشران اوراق بهادار موضوع مواد (۱۴)، (۱۳)، (۱۵) و (۱۶) این قانون مستثنی هستند.

۱۹. در این خصوص می‌توان به رأی شماره ۸۹۰۹۹۷۲۱۶۰۵۰۰۷۳۹ شعبه ۴۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران اشاره نمود. برای ملاحظه متن این آراء مراجعه شود به: (میرزایی منفرد، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۹۰).

۲۰. شکری، ایرانشاهی و تقی زاده، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۸.

۲۱. در این خصوص می‌توان به رأی شماره ۸۹۰۹۹۷۰۲۲۸۷۰۰۷۵۰ شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران و نیز رأی شماره ۱۳۸۹/۰۹/۱۵ شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران اشاره نمود. برای ملاحظه متن این آراء مراجعه شود به: (میرزایی منفرد، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۰-۱۷۶).

۲۲. برخی معتقدند که توصیف قطعیت و لازم‌الاجرا بودن آراء هیأت داورى در تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار، که برخی دادگاه‌ها آن را مبنای عدم پذیرش دعوی اعتراض به آراء این هیأت قرار داده‌اند، دلالتی بر غیرقابل اعتراض بودن این آراء در دادگاه‌ها ندارد و در موارد متعددی نظیر ماده ۱۰ قانون مطبوعات، شکایت از آراء قطعی در محاکم پذیرفته شده است. (شهنیایی، ۱۳۹۴، ص. ۷۵). بر همین مبنای، ایشان رویه دادگاه‌ها در غیرقابل رسیدگی بودن آراء هیأت داورى بازار اوراق بهادار را بر خلاف احکام قانونی، اصول حقوقی و نیز مصالح عدالت قضایی و اجتماعی می‌دانند و پیشنهاد نموده‌اند دیوان عالی کشور در این زمینه وحدت رویه قضایی ایجاد نماید (شهنیایی، ۱۳۹۴، ص. ۸۰).

۲۳. نشست قضایی قضات استان تهران، ۱۳۸۵.

۲۴. اشاره به هیأت مدیره سازمان از این حیث است که مورد سؤال قابلیت اعتراض به آراء هیأت داورى بورس و نیز آرایى است که هیأت مدیره سازمان بر اساس اختیارات مندرج در ماده ۴۳ قانون بازار اوراق بهادار صادر می‌کند؛ بوده است.

۲۵. در بند ۳ ماده ۱۰ این قانون در مقام بیان موارد صلاحیت این دیوان آمده است: «رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها»

منابع

ابراهیمی، م. (۱۳۹۵)، «حقوق نقل و انتقال سهام در بورس»، تهران: شهردانش.

جنیدی، ل.؛ ن. غیاثوند قزوینی (۱۳۹۶)، «داوری پذیری در نظام حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی»، نشریه حقوق تطبیقی (نامه مفید)، ۱۳(۲)، ۲۵-۴۸.

رضایی، ع. (۱۳۸۴)، «وکالت در هیأت داور»، مجله بورس، ش ۸۴، ۳۲-۴۲.

سلطانی، م. (۱۳۹۵)، «حقوق بازار سرمایه»، تهران: سمت.

سلطانی، م.؛ خلیلی؛ سهرابی و فلاح تفتی (۱۳۹۰). بایسته‌های حقوق بازار سرمایه. تهران: شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس

شکری، م.؛ ایرانشاهی و تقی‌زاده (۱۳۹۸)، «امکان‌سنجی اعتراض به آرای هیأت داور بورس؛ دیوان عدالت اداری یا محاکم دادگستری»، فصلنامه حقوق اداری، ۲۰(۷)، ۱۷۷-۲۰۰.

شهنیایی، ا. (۱۳۹۴)، «نقد رویه دادگاه‌ها مبنی بر عدم قابلیت اعتراض به آراء هیأت داور بورس بازار اوراق بهادار» فصلنامه رأی، ۴(۱۱)، ۷۳-۸۰.

شمس، ع. (۱۳۸۱)، «آیین دادرسی مدنی»، جلد اول. تهران: دراک.

صادقی، م؛ صادقی‌مقدم و صالحی (۱۳۹۴)، «مرجع صلاحیت دار حل اختلاف در بازار سرمایه ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۲، ۲۴۳-۲۶۳.

عبدی پورفرد؛ پارساپور و رجب‌زاده (۱۳۸۹)، «ماهیت حقوقی و صلاحیت‌های هیأت داور بورس بازار اوراق بهادار»، مجله پژوهش‌های حقوقی (۱۷)، ۴۰۹-۴۳۶.

فهیمی، ح. (۱۳۸۸)، «هیأت داور؛ مرجع حل و فصل عادلانه اختلاف در بازار سرمایه»، مجله بورس، ش ۸۴، ۲۰-۲۲.

کریم‌لو، و. (۱۳۹۴)، «داوری بازار اوراق بهادار در نظام حقوقی ایران»، ماهنامه مدرسه حقوق (۶۴)، ۵۵-۶۷.

مبین، ح. (۱۳۸۶)، «هیأت داور بورس اوراق بهادار»، فصلنامه حقوقی گواه، ش ۸ و ۹، ۴۵-۵۰.

میرزایی منفرد، غ. (۱۳۹۰)، «حقوق بازار اوراق بهادار (بخش اختلافات)»، تهران: میزان.

میرزایی منفرد، غ. (۱۳۸۸)، «نگاهی به فعالیت هیأت داور»، مجله بورس، ش ۸۴، ۲۲-۳۲.

نشست قضایی قضات استان تهران. (اسفند ۱۳۸۵). مجله قضاوت، شماره چهل و سه.

نشست قضایی قضات استان تهران. (خرداد و تیر ۱۳۸۵). مجله قضاوت، شماره سی و هشت.

یمرلی، ص. (۱۳۸۹). «داوری اختلافات در بازار اوراق بهادار»، مجله پژوهش‌های حقوقی (۱۷)، ۳۹۷-۴۰۸.

Shearson/American Express, Inc. v. McMahon, No. 86-44. (Supreme Court of United States June 8, 1987).

SIFMA. (2007). WHITE PAPER ON ARBITRATION IN THE SECURITIES INDUSTRY. SIFMA.

The SEC's Office of Investor Education and Advocacy. (2016, December 20). Investor Bulletin: Broker-Dealer/Customer Arbitration. Retrieved august 3, 2020, from https://www.sec.gov/oiea/investor-alerts-bulletins/ib_arbitration.html.